

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۳۰ اپریل ۲۰۱۲

کنفرانس «پیترسبرگ» - بن و افغانستان!

(قسمت پنجم)

علی رغم امید ها در امر شکستن موانع درکنفرانس، از همان آغاز بیم آن محسوس بوده است، که «جلسه خیلی انتخابی و گلچین» به شمار می رود. بحران سه دهه و پیوند های سازمان ها و تنظیم های نظامی، که هر یک به شکلی از اشکال در طی مدت بیش از سه دهه جنگ، پیوند های «انترناسیونالیستی» ایجاد نموده اند، می تواند به مثابه یکی از عواملی محسوب گردد، که بدون تأثیر منفی برای رسیدن به توافق ملی و حل با ثبات متکی بر پایه های وسیع اجتماعی بوده نمی تواند. دخالت کشور های متعدد، متناسب با درگیری های علنی و مخفی و توانمندی های مالی و تسلیحاتی آنها، در «ترکیب» برخی از گروه های رقیب، تفاوت های کمی و کیفی نیز باعث گردیده بود، تا موضوعات عدم توافق را به وجود آورد. رسیدن به صلح عمومی بر مبنای تقسیم قدرت بین «جنگ سالاران»، که در طی مدت بیش از سی سال، قریب همه خصوصیات و احساس وطن دوستی را از دست داده بودند، در واقعیت امر همه پل های ارتباط را منفرجه نموده بودند، خیلی دشوار به نظر می رسید. به خصوص وقتی این «جنگ سالاران» با زور اسلحه، حقوق کتله ئی «اینتی» را هم در ترکیب اجتماعی، برای خود مستحق می دانستند.

مبصرین رسانه های خبری و «دیپلوماتیک» در آن زمان خبر می دهند که بعضی ها، اجازه دخول در کنفرانس را به دست آورده اند، اما دیگرانی هم موجود اند که به آواز آنها گوش داده نمی شود. گزارشگر علاوه می کند که: «گذشته از آن که هیچ دسته و حزب و یا هیأت از افغان های عادی نمایندگی نمی نمایند، از طالبان هم در این مذاکرات نماینده وجود ندارد.» در عین زمان از «تشویش و نگرانی زنان» تذکر به عمل می آید، که طرز دید آنها، در مباحثات روی حکومت نو، نادیده گرفته خواهد شد. از جمله اشخاص غیر حاضر دیگر، «قومندان سابق مجاهدین»، که قدرت قابل توجهی را، به قول همین «راپور دهنده بی. بی. سی.» حفظ نموده است، گلبدین حکمتیار، رهبر «حزب اسلامی» که از وی به عنوان «پشتون» نیز یاد نموده اند، می باشد. در عین زمان خبر نگار متذکر می شود که گلبدین حکمتیار خود را از «هر دو، اتحاد شمال و طالبان مستقل» می داند. او از حمایت

پاکستان در اوایل سال های دهه نود قرن بیست (۱۹۹۰ s)، برخوردار بوده، «بعدهاً مرکزش را در ایران» داشته است.

همین منبع از زبان او می نویسد: «اخیراً کنفرانس را تقبیح» نموده، مدعی شده است که کنفرانس زیر نفوذ قرار داشته، از آن به عنوان «کنفرانس اضلاع متحده تحت پوشش سازمان ملل متحد نام داده است.» ادامه داده می نویسد: «از کسانی در این کنفرانس، دعوت به عمل آمده است، که اضلاع متحده تعیین نموده است.» وقتی بر تلاشهای همسایگان که در ذیل بار دیگر نظری خواهیم داشت، توجه نمائیم، درک خواهیم نمود، که این برداشت، تا حدی دقیق و به حقیقت کامل، مطابقت ندارد. با اشاره بر ترکیب کنفرانس مدعی گردیده است، که این کنفرانس حکومتی را تشکیل خواهد داد، که با «خواهشات اضلاع متحده مطابقت داشته باشد.» در عین زمان از اشتراک در حکومت «اتحاد شمال»، امتناع ورزیده است. جالب است، در سابق، خاصاً بعد از سال ۱۹۹۲، حالاتی بوده است، که این شخص، که «رهبر» حزب اسلامی نامیده می شود، چندین بار با این حلقات هم جنگیده و هم متحد بوده است.

وقتی برخی از نقاط معلوماتی را که در قسمت های قبلی از نظر گذراندیم، در نظر گرفته شود، ادعای وی در قسمت کنفرانس، کاملاً صدق نمی کند. طوری که یک بار دیگر هم تذکر رفته است، قوای «امریکائی» و «متحدان»، پس از «حادثه» ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در تحت برنامه «جنگ با تروریسم»، به افغانستان رفته بودند. گزارشگران و حتی سازماندهان کنفرانس خود از «ناقص» و «نا تکمیل» بودن نمایندگی از جانب تمام جامعه و حتی، جوانب درگیر تذکار به عمل آورده بودند. بعضی ها، کنفرانس «بن» را با کنفرانس «ژینو» دهه هشتاد شباهت می دهند، امید به موفقیت آن نداشته، عده ای هم در مخالفت قرار داشته اند. اما چنان مشابهت دادن، تا حدی عدم شناخت آنها را، از واقعیت های زمان ما، در مناسبات بین المللی بر ملا می سازد.

در ذهنیت های بین المللی انواع مختلف طرز دید ها و تصورات نسبت به واقعیت های زندگی، در جهان ما وجود دارد. از نیمه دوم دهه نود قرن بیست بدینسو، در «توازن» قبلی بین «قدرت های بزرگ»، نیمه دوم قرن گذشته، تغییر مشهود، به نفع مواضع «غربی»، یعنی «شکست» سوسیالیزم «نوع شوروی» سابق و «پیروزی» و «برتری» سرمایه داری «غربی» و «برتری» نسبی قدرت «اضلاع متحده امریکا» و متحدین ناتوی آن، بیشتر تصویر آن را در آن مرحله، نشان می داد. صاحب نظران نامدار، در صدر «حزب سوسیال دموکرات المان»، با اوضاع جهان، در رابطه با «قدرت»، عوض، «دو قطبی» در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی، حالت «یک قطبی» تعریف نموده، آن حالت را به «ضرر» امنیت بین المللی دانسته، این حزب، موجودیت «قطب های متعدد» قدرت را برای «امنیت بین المللی»، لازمی می دانسته اند. بعداً تشکیل «گروپ شانگهای»، ممکن در تحت تأثیر چنین اندیشه ها، به میدان آمده باشد. در سال ۲۰۰۱ وضع جدیدی، در منطقه و جهان و هم در کشور ما، به وجود آمده بود، نمونه هایی از برتری و تبارز «اتحاد شمال» و «رهبر» آن برهان الدین ربانی، که در قسمت چهارم این سلسله، اشاراتی صورت گرفته است، نمایانگر علایمی بوده می تواند، که واقعیت ها، می تواند، چیز دیگری باشد.

نباید فراموش کرد، تدارکات تدویر کنفرانس «بن» زمانی به راه افتاد، که جنگ در سراسر کشور جریان داشت. «اتحاد شمال» به اساس تکیه کلام قدیمی، نو جوانان ما، که می گفتند: «پشه با سایه فیل حرکت می کرد، می گفت



سایه از مه است.» یک گزارش خبری منبع «انترنتی بی. بی. سی.» دو روز قبل از «افتتاح» کنفرانس «بن»، درست به تاریخ ۲۵ «نومبر» ۲۰۰۱، روز یکشنبه، ساعت ۱۰:۲۲، به وقت «گرینویچ»، با عنوان درشت خبر داد: «ربانی و عده حفاظت خارجی ها را داده است.»

در پای عکس می خوانیم: « هزاران جنگنده خارجی از طالبان حمایت می کنند». این گزارش را خبر نگار «بی. بی. سی.» «پیتر گریسته» (Peter Grete) از کابل فرستاده است. این «راپور دهنده» از زبان شخصی از «اتحاد شمال»، برهان الدین ربانی، «که مدعی است، گویا رئیس جمهور افغانستان باشد»، می نویسد: «به قوای خود در اطراف شهر محاصره قندوز، دستور صادر نموده است، که هیچ فرد خارجی را قتل نکنند، لیکن گرفتار و به ملل متحد بسپارند.» جریان حوادث بعدی حقایق تلخ دیگری را تحویل تاریخ داده است.



به ارتباط به «اعراب» از زبانش که در عین حال «رئیس جمهور برکنار شده» نام برده است، چنین نقل قول صورت می گیرد: «نظر ما اینست که ما با اعراب، بر اساسات انسانی و اسلامی برخورد می نمایم. آنها باید نگران نباشند.» لیکن خونریزی بعدی و «کانتینر های» خونچکان، نتیجه این اظهارات بوده است، که تفصیل در اینجا نمی گنجد. از جریان عملیات و «قیام اسیران جنگی» در «قلعه جنگی» واقع در شمال، همین «تبعه امریکائی» (عکس بالا سمت چپ، با موی دراز)، زنده شناسائی گردیده بود. این که در صف «طالبان» خارجی ها وجود داشته اند، حرف نو نبوده است. هریک ازین تنظیم ها، «برادران خارجی» داشته اند.

نمی توان قبول کرد که همچو شرایط را «اتحاد شمال» برای تقویت مواضعش به کار نبرده باشد. حتماً در هر نوع پرنسیپ «تحمل»، حتی قبول «طالبان معتدل» مؤثر بوده است. قدرت بزرگ «اضلاع متحده» که اقدام به عملیات نظامی را نموده بود، تازه پاکستان را با گروپ کشور های متحد در مشی مقابله با «تروریزم»، به عنوان همبستگی با امریکا، به نسبت وقایع معلوم در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ کشانیده بود، حتماً باید، متمایل بوده باشد، که به پیشنهاد پاکستان، گوش داده شود، اما در اینجا، حتماً ممانعت «اتحاد شمال» و «حامیان» خارجی آن، نظیر «روسیه» و دولت های جدید «شوروی سابق»، ایران و هندوستان، با این موقف، «اتحاد شمال» هم صدا بوده اند، یعنی همین «اتحاد شمال» در موقف سخت غیر «کومپرومس»، در خط عطش قدرت بیشتر برای خود پافشاری نموده اند.

در این رابطه طوری که در بالا نیز تذکار یافته است، به «راپور ذیل» نظر می اندازیم:

« هندوستان امید های افغانستان را مطرح می سازد.» قابل یاد آوری است که هندوستان در جمله کشور های ۶ + ۲ که در قسمت قبلی تذکار یافته است، شامل نمی باشد. اما به حیث یک کشور بزرگ منطقه، روابط نزدیک تاریخی با افغانستان داشته است. نقش هند، طبیعتاً در منطقه و جهان از وزنه قابل ملاحظه برخوردار بوده، افزایش روز افزون آن محسوس است. در همان روز سه شنبه ۲۷ «نومبر» ۲۰۰۱، جمله درشت فوق منتشر شده است. قبلاً هم گفته شده بود، که در خارج از «کنفرانس افغانها»، کشور های خارجی متعدد، از نفوذ خویش بر اوضاع کار خواهند گرفت. گزارشگر می نویسد که هندوستان، در همین روز به کار ترمیم سفارت خود آغاز نموده است.

همین خبر دهنده به صراحت می نویسد، که «هند شدیداً نقش طالبان را در حکومت آینده افغانستان، در زمانی که گروپ های «رقیب» افغان در «بین» به مذاکره پرداخته اند، رد می نماید.» در یک اعلامیه صدر اعظم هند، «اتل بیهارى واجپای» در «پارلمان» گفته است:

« افغانستان باید از این به بعد، بیشتر بحیث مرکز تربیتی تروریست ها مورد استفاده قرار نگیرد.» در عین زمان گزارش می یابد که «هند» جریان و نتایج مذاکرات «بین» را با دقت تحت نظارت خود دارد، نماینده خاص در امور افغانستان، «ساتندر لمباح» (Satinder Lambah)، به شهر جرمنی اعزام شده است، تا انکشافات را از نزدیک تحت غور داشته باشد. در مصاحبه با «بی. بی. سی.» آقای «لمباح» کمی قبل از عزیمت گفته است: «ما خواهان دیدن

یک حکومت بر پایه وسیع، کثیرالاتی در افغانستان هستیم.» در عین زمان گفته است: «ما خواهان آنیم، تا اداره در کابل به صدور تروریزم و افراطیت خاتمه ببخشد.» و همچنان ازین صحبت کوتاه قبل از سفر به سوی «بن»، این اظهار نیز نقل شده است:

«ما علاقه مند آنیم، تا به سازمان ملل متحد نقش مهمی سپرده شود، تا بر ادامه شورش خاتمه داده بتواند.» در جای دیگر از گفتار «ساتندر لمباح» بدین متن بازگو می نماید: «یک امر حیاتی است، که زندگی عادی به زودی ممکن در آنجا آغاز یابد، تا افغانستان بتواند، دوباره به مجمع بین المللی برگردد.»



صدر اعظم هند در صحبت خویش در پارلمان آنکشور هم چنان، اظهار نموده است، که «هند در کمک های بین المللی» در امر اعمار مجدد افغانستان، «دست دراز» خواهد کرد. علاوه تذاکر می دهد که قدم هائی را سنجیده است، تا «در آینده افغانستان نقش بزرگتری داشته باشد.» در همین گزارش، خبر نگار حمایت و پشتیبانی هند را از «اتحاد شمال» و به رسمیت شناختن برهان الدین ربانی، به حیث رئیس جمهور افغانستان، با نشر عکس ربانی، برجسته ساخته است. (در پای عکس می خوانیم: هند رئیس جمهور ربانی را به حیث رئیس دولت می شناسد.) این حالت نشان می دهد، که مناسبات و رقابت های هند و پاکستان بر اوضاع افغانستان، سایه انداخته است. بدینترتیب میراث استعمار تا اکنون به شکلی از اشکال، جامعه افغانستان را در شکنجه و تلفات خونین حفظ نموده است.

هر یک از آنها، در «کالبد» افغانستان، امید آن را در کله می پروراند، که از یکطرف «بحران افغانستان» ادامه یابد، تا بتوانند توجه مردم کشور های خود را به حال بد افغانها، متوجه سازند، تا چشم آنها را از مسایل درونی کشور های خودها هم دور داشته باشند، از جانب دیگر ختم بحران افغانستان را ممکن وقتی بخواهند، که طعمه خود را خود تعیین بتوانند. کلمات «متحدالمال» صلح، دوستی و همسایگی نیک، به مثابه «موسیقی» آشنای هند و پاکستان، به عنوان مثال، سالها شنیده شده است. بار دیگر از خلال صحبت صدر اعظم هند، در پارلمان هند، در باره روابط تاریخی آنکشور، خبر نگار می نویسد:

«واجبای برجسته ساخته است که دهلی پیوند های تاریخی با افغانستان دارد. او دو بار در دهه ۷۰ قرن بیست، از این کشور دیدن نموده است. حکومت او از روابط نزدیک با پادشاه سابق، محمد ظاهر شاه برخوردار بوده، هزاران مهاجر افغان را به کشور، جای داده است...»

افغانستان نیاز مبرم دارد تا روابط کشور خود را خود، با دقت با همسایگان خود، بر مبنای منافع ملی آن ارزیابی نماید، نه آن که دیگران در باره مناسبات کشور شان افسانه بنویسند. الی سال ۱۹۷۳، افغانستان در عرصه بین

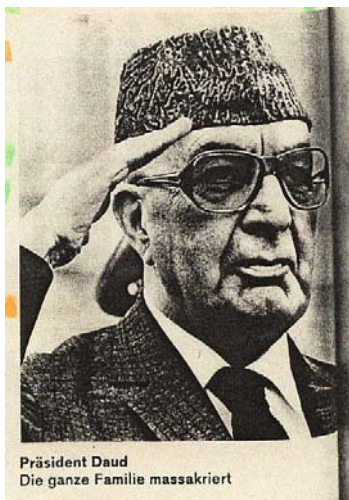
المللی، دهه های طولانی، به حیث



یک کشور مستقل و عضو فعال سازمان ملل متحد، دارای روابط عادی و معمولی، با تعداد کثیری از کشور های جهان بوده است. در سایر کنفرانس ها و سازمان های دولتی بین المللی و منطقه ئی عضویت داشته، از طریق عقد قرار

داد های دوستی و همکاری دوجانبه

و چندین جانبه، در حد توان، در پروسه صلح و امنیت بین المللی، سهم خود را به سر می رسانیده است. مثلاً تا سال ۱۹۷۳ با هندوستان، یک نوع مناسبات خوب داشته است، در زمان سردار محمد داوود خان، در ابعاد جدیدی تعمیق و توسعه یافت. (عکس از شپیگل، شماره ۳۰ سال ۱۹۷۳، متباقی عکس ها از صفحه «بی. بی. سی.» گرفته شده است.) بعد از آن، یعنی پس از سال ۱۹۷۸، روابط افغانستان را با خارج، می توان بغرنج دانست، که ایجاب ارزیابی عمیق می نماید. از آن وقت ببعد، منافع ملی افغانستان، لگد مال گردیده، روابط «فورمال» به نفع فامیل ها و حلقات حاکمه، تابع منافع گروهی می چرخیده است. جالب این است وقتی، در آستانه کنفرانس «بن»، برخی از کشور های مهم غربی،



براین عقیده بوده اند، که در برگشت صلح در افغانستان، نقش پادشاه سابق، مؤثریت بیشتر خواهد داشت، هندوستان، به طور مشخص در پهلوی «اتحاد شمال» قرار گرفت، نخواست ازین فرصت احتمالی مثبت، در برقراری صلح کار گرفته شود. کشور هندوستان پس از سقوط رژیم جمهوری سردار محمد داوود خان، در سال ۱۹۷۸ روابط «دیپلوماتیک» خود را به سطح سفارت حفظ نموده بود. کابل نیز در تمام زمان در هندوستان و هند هم سفارت کابل خود را فعال حفظ داشته است. (عکس سردار محمد داوود خان از مجله شپیگل شماره ۱۹ سال ۱۹۷۸، صفحه ۱۶۰ در رابطه با سقوط جمهوری، و عکس دیگر از صفحه ۱۴۸ گرفته شده است.) در پای عکس محمد داوود

خان می خوانیم: «رئیس جمهور داوود و تمام فامیلش قتل عام گردیده اند.» و در پای عکس دیگر می خوانیم: «رئیس تره کی، افغانستان زیر چادری: ما به اسلام احترام می کنیم.» همین جمله را در طول سالهای جنگ، مخالفینش، که به اسلام معتقد بوده اند، برای سازماندهی مقاومت علیه رژیم او استفاده نمودند. برای مردم، اصطلاح «احترام» را که ذکر کرده بود، قابل باور نبوده است، زیرا قتل عام فوق را هم خلاف اسلام دانسته ومی دانند. تعبیری که از آن می نمودند، این بوده است، که گویا خود آنها عقیده ندارند، فقط «سازشی» را در پیش گرفته اند.

با تقرب قوای «طالبان» در سال ۱۹۹۶ به کابل، زمانی که حکومت برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود، قوماندان «شورای نظار»، کابل را ترک گفته اند، به اساس گزارش «بی. بی. سی»، هندوستان هم سفارت آن کشور را در ماه سپتامبر ۱۹۹۶ در کابل بست، از آنوقت به بعد از «اتحاد شمال» حمایت نمود است.

یک هفته قبل از تدویر کنفرانس «بین»، نماینده خاص هند برای امور مربوط افغانستان، آقای «لمباح»، در رأس یک تیم، به کابل سفری انجام داده، با دیدار با برهان الدین ربانی، احیای دوباره فعالیت «دیپلوماتیک» بین هر دو جانب از طریق سفارت ها، از سر گرفته شد. هندوستان در عین حال نگران از آن است، که در صورتی که «جنگنده های طالبان» افغانستان را ترک کنند، می شود که راه «کشمیر تحت اداره هند را» در پیش گیرند. این تشویش را پولیس هند در کشمیر نشان می دهد، که پس باید، شدت جنگ در افغانستان به نفع آنها بوده باشد. بنابراین اظهارات «کلیشه وار» مقامات رسمی همه کشور های همسایه افغانستان را، که چنین برداشت و طرز تفکر دارند، نباید جدی تلقی نمود. به قول معمول باید، متوجه انگشتان آنها بود، که از کدام منابع سود می برند. ولی چه قوتی در کشور افغانستان، این مواظبت از منافع ملی را انجام دهد، در صورتی که، هر روز در راه تحکیم وحدت، ملی موانع بی حساب ایجاد گردد.

«راپورتر بی. بی. سی» بار دیگر از «لمباح» که با این خبر رسانی مصاحبه انجام داده است، بدین متن حکایت می کند:

«در گذشته ما از تجارب و خاطرات بد از افغانستان داریم. این کشور به مثابه فابریکه صدور تروریسم و افراطیت مورد استفاده قرار گرفته است. حال طوری به نظر می خورد، که متیاقی دنیا، از خواب بیدار شده است، به ارتباط این خطر همچنان.»

در اظهارات، برهان الدین ربانی همچنان می خوانیم:

«به طالبان اجازه داده نخواهد شد که در حکومت موقت به حیث یک سازمان شامل باشد. مقامات رسمی سابق طالب می توانند به طور انفرادی، شامل گردند.» دولتی که، ۱۱ چوکی را از جمله ۲۰ چوکی در کنفرانس «بین»، به قول گزارشگر، «بی. بی. سی»، اشغال خواهد نمود، موقف واضح کنترل را بر «اجندا» به دست می دهد. به تاریخ ۲۶ «نومبر» ۲۰۰۱، یک روز قبل از کنفرانس «بین» «قوای اتحاد شمال» داخل شهر «قندوز» شده، خبر تسلیمی «۶۰۰» طالب، به قوای عبدالرشید دوستم خبر داده شده است.

این چند لحظه و شمه ای از مناسبات با هندوستان، در حالی که همانند شش کشور دیگر با افغانستان، مستقیماً همسرحد نمی باشد، ولی به خوبی می تواند الهام ببخشد، که ولو همسایگان در «بین» مستقیماً، در مذاکرات سهم نداشته باشند، ولی بنابر منافی که خود زیر چشم دارند، با آینده اداره آنکشور خیلی علاقه مند اند، بسیاری از آنها، در جست و جوی کسب نفوذ، براین کشور، می باشند.

مبصر «بی. بی. سی.» در همان روز های قبل از تدویر کنفرانس، از زبان جنرال پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان، حدس زده می نویسد که: «پرویز مشرف علاقه مند است تا در حکومت، اشتراک عناصر معتدل طالبان را ببیند، بدین ترتیب، نفوس بزرگ پشتون در پاکستان را، خوشنود سازد.» به همین ترتیب همین مبصر همچنان، در مورد ایران می نویسد، که ایران هم برای ایجاد حکومت بعد از طالبان، از «اتحاد شمال» حمایت می کند. ولی ایران نیز مانند همه با یک نغمه هماهنگ از «حکومت بر پایه های وسیع» که در آن گروه «پشتون ها» هم سهم باشند، حرف به زبان می آورده است. در عین زمان تلاش می ورزیده است، تا برای گروه اقلیت «شیعه» مسکون در مناطق مرکزی افغانستان، نقش قوی داده شود.

این مبصر همچنان می نویسد که محتمل به نظر نمی رسد که ایران به هیچ یک نقشی برای طالبان در آینده موافقت کند، در عین زمان مخالف سهمگیری پادشاه سابق نیز می باشد. در مورد موقف روسیه کمی با تفاوت گزارش می دهد که آن کشور، به نمایندگی گروپ های «ابتنی» موافق است. مسکو به سهمگیری «طالبان» مخالف است، لیکن تا آن زمان از هیچ گروپ دیگری هم حمایت ننموده است، که نمایندگی از اکثریت پشتون داشته باشد.

یک گزارشگر «بی. بی. سی.»، به نام «صادق سبا» (Sadeq Saba) در روز اول کنفرانس، ۲۷ «نومبر» ۲۰۰۱ می نویسد: «پاکستان به اتحاد شمال هوشدار می دهد». به ادامه می نویسد که «رهبران اتحاد شمال و پاکستان»، نمایان نموده اند که خواهان خاتمه دادن به خصومت و باز نمودن فصل نوینی از مناسبات می باشند. از زبان جنرال مشرف گزارش داده می شود، که گفته است: «پاکستان، اتحاد شمال را به رسمیت می شناسد، هیچ مسأله ای ندارد، هر گاه حکومتی را با گروپ های دیگر، تشکیل دهد.» در عین زمان از زبان برهان الدین ربانی گفته است، که او با «رئیس جمهور پاکستان، جنرال پرویز م مشرف، در آینده نزدیک دیدار خواهد داشت». این اظهارات در حالی صورت گرفته است، که انتظار می رفت، تا در مدت قریب پنج روز آینده، رهبری جدید برای «اداره موقت» در افغانستان، در کنفرانس «بن» تعیین گردد. همین گزارشگر نیز تأیید می نماید که برهان الدین ربانی، با یک مقام رسمی پاکستانی، در «دوبی»، در حالی که در رأس یک هیأت اتحاد شمال، در آنکشور حضور دارد، ملاقاتی انجام داده است.

در همین گزارش آمده است، که همچو نزدیکی بین «اتحاد شمال» و پاکستان تا چند هفته قبل غیر قابل تصور به نظر می رسید، یعنی تا زمانی که طالبان «کنترول» افغانستان را در اختیار داشتند. اتحاد شمال بنا بر همین گزارش، به پاکستان به عنوان دشمن می نگریست، زیرا در حمایت از «طالبان» قرار داشت. لیکن طالبان که ناگهان سقوط داده شد، تأثیرات «دراماتیک» بر مناسبات این دو رقیب و دشمن داشته است. از زبان برهان الدین ربانی حکایت شده است که گویا به «ژورنالیستان» در دوبی اظهار داشته است، که حال متمایل به تصیح مناسبات با پاکستان می باشد. در این رابطه متذکر گردیده است، که مذاکرات در مورد، تنظیم برنامه دیدار بین او و جنرال پرویز مشرف، رئیس جمهور پاکستان، جریان دارد. بالمقابل جنرال مشرف هم در یک مصاحبه تلویزیونی، تمایل مشابه نشان داده است.

ادامه دارد

۲۰۱۲/۰۴/۱۵